صدای پیشگیری

سفر پر پیچ و خم به مقصد آرامش

زن جوان با کمک دایره مددکاری و مشاوره کلانتری سجاد زندگی‌اش را از نو ساخت

جلائیان| زن جوان به محض نشستن روی صندلی دایره مددکاری و مشاوره کلانتری سجاد، روزی را به خاطر آورد که از کتک های شوهر سابقش دستش شکسته بود و صورتش همچنان خون ریزی داشت. آن روز شوهرش نه تنها به او خیانت کرد، بلکه او را هدف ضرب و جرح شدیدی قرار داده بود. ملیحه به همراه دو فرزندش از خانه خارج شده و به‌کلانتری سجاد پناه آورده بود؛ محلی که توانست باکمک کارکنانش یک زندگی امن برای خود و فرزندانش بسازد. مطالب زیر خلاصه سرنوشت زندگی یک زن جوان است که برای مسئول دایره مددکاری و مشاوره کلانتری سجاد بازگو کرد؛ زنی که باوجود سپری‌کردن دوران کودکی سخت، توانست با اخذ مدرک تحصیلی دکتری در یک اداره دولتی استخدام شود و زندگی آرام و خوبی داشته باشد.

زن جوان که برای قدردانی از نقش دایره مددکاری و مشاوره کلانتری سجاد آمده بود، در حضور فرزندانش و ما داستان زندگی اش را این طور تعریف می‌کند: والدینم از همان ابتدای ازدواجشان با هم دچار اختلاف شدند. مادرم کارمند و پدرم یک کارگر ساده بود که در یکی از شهرهای کوچک خراسان شمالی کار می‌کرد. یک سال پس از ازدواج آن ها، من به دنیا آمدم. دختری که هر روز شاهد نزاع و دعوا بین والدینش بود. مادرم همیشه به من می‌گفت اگر به دنیا نمی آمدم، از پدرم جدا می شد. ملیحه ادامه می دهد: پنج سالم بود که مادرم دوباره باردار شد. او پنج ماهه باردار بود که یک شب دعوای شدیدی با پدرم کرد. ناگهان من صدای هولناک و فریاد مادرم را شنیدم. سراسیمه از اتاق بیرون رفتم و مادرم را دیدم که روی کف آشپزخانه افتاده است و از سرش خون می آید. آمبولانس آمد و مادرم را به بیمارستان برد. با تلاش کادر درمان، مادرم بهبود پیدا کرد اما چهار ماه بعد خواهرم با نقص عضو و معلولیت جسمی به دنیا آمد.

درخشش ملیحه در المپیاد علمی

ملیحه با اشاره به تولد خواهر معلولش می‌گوید: با تولد خواهرم، مادرم سرکار می رفت و نگهداری از خواهرم و انجام‌کارهای خانه به من سپرده شد. در دبیرستان معلم شیمی ما از من خواست در یک المپیاد شرکت کنم. مادرم با شرکت من مخالف بود؛ با این حال معلمم کارش را کرد. او مثل یک مادر درکنار من بود؛ حتی کتاب های کمک درسی برای من خرید و به صورت خصوصی من را آموزش داد. تلاش معلمم نتیجه داد و من در المپیاد رتبه نخست را کسب کردم. تمام شهر ما از بنرهای تبریک پر شد. پدرم یک هدیه کوچک به من داد؛ اما مادرم ...

نگهداری از والدین

ملیحه ادامه می دهد: هفده سالم بود که والدینم در جاده دچار سانحه شدند. من در حالی‌که خودم را برای کنکور آماده می‌کردم، علاوه بر انجام کارهای خانه و نگهداری از دو خواهرم، حالا مجبور بودم از والدینم که به شدت مصدوم شده بودند، نگهداری و مراقبت کنم. نمی دانم معجزه بود یا نه، اما من در رشته پزشکی دانشگاه شیراز پذیرفته شدم؛ فرصتی طلایی که مادرم آن را از من گرفت. مادرم خیلی روشن به من گفت اجازه نمی دهد به شیراز بروم و در رشته پزشکی تحصیل کنم. سال بعد دوباره کنکور دادم و این بار در رشته مهندسی پلیمر در یکی از دانشگاه های معتبر مشهد قبول شدم.

تحصیل در ۲ رشته

ملیحه هنوز هم عاشق کسب علم است با یادآوری خاطرات دانشگاهش می‌گوید: در دانشگاه درکلاس های خودم یکی در میان شرکت می‌کردم؛ اما درکلاس های دانشجویان رشته پرستاری حاضر بودم. تمامی اساتید من را می شناختند و حتی از من امتحان می‌گرفتند. تسلطم به دروس تخصصی رشته پرستاری تا آنجا بود که‌کلاس خصوصی برای دانشجویان برگزار می‌کردم. در رشته خودم تاکارشناسی ارشد پیش رفتم. بعد از آن هم در مقطع دکتری، وارد رشته مدیریت بازرگانی شد.

ازدواج برای فرار از خانه و خیانت شوهر

زن جوان ادامه می دهد: من به اولین خواستگارم پاسخ مثبت دادم. ما خیلی زود صاحب یک پسر و دختر شدیم. زندگی خوبی داشتیم تا اینکه شوهرم به من خیانت کرد. می خواستم پیش والدینم برگردم؛ اما مادرم گفت در خانه اش جایی برای من نیست. با پیشنهاد یکی از هم‌کلاسی هایم به‌کلانتری سجاد آمدم. سرهنگ ابراهیم خواجه پور، فرمانده کلانتری سجاد، با مشاهده چهره خونین من و دو فرزندم، تیمی از مأمورانش را برای بررسی شکایت من فرستاد. من با حکم قاضی از شوهرم طلاق و سرپرستی دو فرزندم را برعهده بگیرم.

کمک از دوستان دوران دانشگاه

زن جوان درباره مشکلاتی که پس از طلاق با آن روبه رو شد، می‌گوید: پس از جدایی، شرایطی برای من پیش آمد که هرگز تجربه نکرده بودم. هیچ پول و پشتیبانی نداشتم. باید شکم فرزندانم را سیر می‌کردم. برای تأمین هزینه های زندگی حتی برخی ها پیشنهادهای بی شرمانه ای به من می دادند؛ اما وارد این مسیرهای بیراهه نشدم. به سراغ دوستان دوران دانشگاهم رفتم و توانستم باکمک آن ها یک خانه کوچک اجاره کنم. بعد هم در یک اداره دولتی استخدام شدم. کمی بعد با یک مرد جوان آشنا شدم و با هم ازدواج کردیم اما پسرم زندگی را برای ما تلخ کرد.

سازشی که به بخشش مادر ختم شد

ملیحه با اشاره به اختلاف پسر و ناپدری اش، ادامه می دهد: اختلاف پسر و شوهرم تا آنجا پیش رفت که به فکر طلاق افتادیم. درست در همین شرایط بود که به فکرم رسید از دایره مشاوره و مددکاری کلانتری سجاد دوباره کمک بگیرم. من بار دیگر به‌کلانتری سجاد آمدم و با وجیهه شعرباف، مسئول دایره مشاوره و مددکاری کلانتری سجاد، موضوع را در میان گذاشتم. پس از آن خانم شعرباف جلساتی با پسر و همسرم ترتیب دادند؛ جلساتی که نتیجه داد و حالا ما زندگی خوبی داریم. من حتی مادرم را هم بخشیدم. او مبتلا به بیماری سرطان پوست شده و برای درمان به مشهد می آید و در خانه امن و آرام ما ساکن می شود.

از ابتدای سال ۵ نفر در استان به دلیل غرق شدگی جان خود را از دست داده‌اند

شنا با مرگ

جلائیان

گزارش

فردا اولین روز از اردیبهشت است. سال گذشته درست در همین ماه بود که پانزده نفر از هم استانی هایمان جان خود را در آب از دست دادند. شرایطی که باعث شکسته شدن رکورد غرق شدگان استان در طول یک ماه شد. با توجه به اینکه در سال گذشته کشاورزان بیشتری برای تأمین آب محصولات زراعی و درختان خود اقدام به ایجاد استخر کشاورزی کردند و طبق پیش بینی هواشناسی، از فردا با عبور توده بارشی، دمای هوا افزایش پیدا می‌کند، در این شماره می خواهیم به خانواده ها برای جان فرزندانشان هشدار دهیم؛ به این امید که امسال رکورد غرق شدگی استان شکسته نشود.

اولین ماه از سال، امروز به اتمام می رسد. طبق آمار اورژانس، در این ماه چندین حادثه غرق شدگی به وقوع پیوست که هرکدام تلخ تر از دیگری بود. ۱۸ فروردین ۱۴۰۴، جوانی بیست و هشت ساله برای شنا وارد یک استخر کشاورزی شد؛ استخری که از آن زنده بیرون نیامد. دو روز بعد، یعنی در ۲۰ فروردین ماه، دو پسر بچه ده و یازده ساله وارد یک استخر ذخیره آب در نزدیکی گلبهار شدند. خانواده های آن ها پس از اینکه متوجه جای خالی فرزندانشان شدند، با دیدن لباس این دو پسربچه در اطراف استخر، متوجه غرق شدن آن ها شدند. هنوز یک هفته از مرگ این دو نوجوان نگذشته بود که فاجعه تلخ دیگری در روز ۲۶ فروردین ماه رخ داد. یک کودک چهارساله دور از چشم والدینش وارد استخر حیاط خانه ویلایی شان در منطقه شاهنامه شد؛ استخری که عمق آن از قد این پسربچه بیشتر بود و او پیش از اینکه والدینش متوجه شوند، در آب جان باخت.

به استقبال ماه‌های گرم با ۵ قربانی

طبق آمار رئیس مرکز اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی مشهد، در فروردین ماه پنج نفر جان خود را به دلیل غرق شدگی از دست دادند و ۹ نفر نیز با تلاش نیروهای امدادی و کادر درمان از مرگ نجات پیدا کردند؛ آماری که بدون محاسبه جان باختگان مشهدی در سواحل دریای خزر، عمان، خلیج فارس و رودخانه های سایر استان هاست.

چرا شهری مثل مشهد که هیچ ساحلی متصل به دریا و دریاچه ندارد، این همه شهروندانش غرق می شوند؟ مشهد حتی دیگر رودخانه پرآبی ندارد که جوانان برای آب تنی واردش شوند. پاسخ به این سؤال را گزارش های اورژانس، آتش نشانی و پزشکی قانونی مشخص می‌کند. عمده جان باختگان در استخرهای کشاورزی غرق شدند؛ استخرهایی که خشک سالی های سال های اخیر باعث گسترش روزافزون آن ها در گوشه‌کنار شهر شده است.

۱۸۵ غرق‌شده در ۳ سال اخیر

طبق آمار پزشکی قانونی در سال ۱۴۰۱ هشتاد نفر در آب های استان غرق شدند. از این تعداد ۲۳ نفر زن و ۵۷ قربانی مرد بودند. پس از آن در سال ۱۴۰۲ آمار کاهش یافت. در بهار سال ۱۴۰۲، تعداد ۲۲ نفر جان خود را در آب از دست دادند. این آمار تا پایان سال به ۴۹ نفر رسید. سال ۱۴۰۳ نیز مرگ ۵۶ نفر در استان به دلیل غرق شدگی در آب توسط همکاران پزشکی قانونی تأیید شد.

عکس تزئینی است

اردیبهشت بارانی سال گذشته

دکتر علی نقش، مدیرکل پزشکی قانونی استان، درباره آمار غرق شدگی در استان می‌گوید: تجربه سال های اخیر نشان می دهد با آغاز اردیبهشت ماه که درکنار بارش های سیلابی شاهد افزایش دمای هوا هم هستیم، آمار غرق شدگی بیشتر می شود. اردیبهشت سال گذشته شاهد بودیم که پانزده نفر در آب غرق شدند. بیشتر این افراد نه در سیلاب، بلکه در استخرهای غیرمجاز و کشاورزی جان خود را از دست داده بودند.

مردان، بیشتر غرق می‌شوند

مدیرکل پزشکی قانونی استان با اشاره به جنسیت و محل مرگ قربانیان ادامه می‌دهد: با نگاه به آمار غرق شدگان در سال های گذشته متوجه می شویم که همیشه تعداد مردان به مراتب بیشتر از زنان بوده است.

سال گذشته نیز به همین شکل بود و از پنجاه جان باخته در آب، ۳۸ نفر مرد و ۱۲ قربانی زن بودند. نکته مهم دیگر این است که هر سال تعداد افرادی که در استخرهای کشاورزی غرق می شوند، رو به افزایش است.

برای مثال در سال ۱۴۰۳، هجده نفر در استخرهای کشاورزی جان باختند؛ در حالی‌که سال ۱۴۰۲ این آمار پانزده نفر بود.

جهان حوادث

آتش‌سوزی مرگ‌بار در یک قایق چوبی

صداوسیما| آتش سوزی گسترده در یک قایق چوبی منجر به مرگ دست‌کم ۱۴۸ نفر از سرنشینان این قایق در جمهوری دموکراتیک کنگو شد. روز گذشته یک قایق مسافربری بزرگ با بیش از پانصد سرنشین در استان اکواتور کشور کنگو در حال حرکت بود که به دلایل نامشخص طعمه حریق شد.

به‌دنبال آتش‌سوزی گسترده در این قایق، امدادگران با چندین فروندکشتی نجات به یاری سرنشینان این قایق رفتند. تیم‌های امدادی ده‌ها نفر از سرنشینان این قایق را نجات دادند که از میان نجات یافتگان، ۱۵۰ نفر دچار سوختگی شدید و سطحی شدند. مقامات تخمین می‌زنند که همچنان صدها نفر از مسافران این قایق مفقود هستند.

تصادف مرگ‌بار فوتبالیست‌های نوجوان

تسنیم| اتوبوس حامل تیم فوتبال نوجوانان قزاقستان در منطقه آکمولای قزاقستان دچار حادثه شد و درپی این حادثه مربی این تیم جان باخت. براساس گزارش منتشرشده، سبقت‌گرفتن راننده اتوبوس از یک دستگاه کامیون سبب واژگونی آن شد.

در هنگام حادثه شانزده نوجوان فوتبالیست چهارده تا شانزده‌ساله و یک مربی در اتوبوس حضور داشتند که درنهایت و بر اثر این حادثه، مربی تیم فوتبال در دم جان باخت. بازیکنان نوجوان هم به بیمارستان منتقل شدند و زیرنظر پزشک هستند.

این اتوبوس از شهر پاولودار به‌سمت آستانه در حرکت بود. پلیس قزاقستان از تشکیل پرونده ویژه و اقدامات تحقیقاتی لازم درباره این حادثه خبر داد.

امواج عظیم دریا در استرالیا عید پاک را تلخ کرد

مشرق| درپی برخورد امواج عظیم به سواحل استرالیا، پنج نفر جان باختند. روزگذشته بر اثر برخورد امواج عظیم به سواحل شرقی استرالیا دست‌کم پنج نفر که برای تعطیلات عید پاک به ساحل رفته بودند، در دریا غرق شدند.

امواج عظیم در استرالیا همچنین باعث شد دو نفر در اثر برخورد موج، به دریا کشیده شده و مفقود شوند. تلاش تیم‌های امدادی در ساحل برای نجات این افراد یا پیداکردن اجساد مفقودان ادامه دارد.

روی خط حادثه

کشف اموال مسروقه در انبار ضایعات

بخشنده| مال خری که در یک انبار ضایعات اموال مسروقه مردم را معامله می‌کرد، دستگیر شد. مأموران کلانتری پنجتن پس از به‌دست‌آمدن اطلاعاتی درباره خریدوفروش اموال مسروقه در یک انبار ضایعاتی، رسیدگی به این پرونده را به‌صورت نامحسوس آغاز کردند. تیم تحقیق این انبار را زیرنظر گرفت و به مدارک متعددی درباره خریدوفروش اموال مسروقه توسط یک مال خر در انبار دست پیدا کرد. در ادامه این پرونده مأموران با هماهنگی مقام قضایی در یک عملیات ضربتی به این انبار رفتند، مال خر سی‌وپنج ساله را دستگیر کردند. با دستگیری متهم، مأموران در بازرسی از انبار بیش از چهل قلم انواع لوازم سرقتی مربوط به خودرو، لوازم خانگی، ابزارآلات ساختمانی و... را کشف وضبط کردند. باوجودکشف این لوازم مال خر سی‌وپنج ساله در بازجویی به خرید اموال مسروقه از سارقان و فروش آن‌ها اعتراف کرد. باوجود اعترافات متهم، تحقیقات از او آغاز شد و این انبار برای شناسایی و دستگیری سارقان و کشف دیگرجرائم احتمالی مال خر ادامه دارد.

دست‌بند پلیس به دستی که در جیب یک مسافر بود

جلائیان| مأموران کلانتری نواب‌صفوی، مرد جوانی را که از مسافران اتوبوس‌های درون‌شهری حین سوارشدن به اتوبوس جیب‌بری می‌کرد، دستگیر کردند. پس از دریافت گزارشات سریالی از مسافران یکی از ایستگاه های اتوبوس درون‌شهری در هسته مرکزی شهر، مأموران کلانتری نواب‌صفوی به‌صورت ویژه شناسایی و دستگیری جیب‌بر را در دستورکار خود قرار دادند. تلاش پلیس برای شناسایی و دستگیری متهم با رصد دوربین‌های مداربسته آغاز شد. تیم تحقیق در بازبینی تصاویر ضبط شده توسط دوربین‌های مداربسته موفق به شناسایی متهم که یک مرد جوان بود، شدند؛ مردی که با استفاده از شلوغی جمعیت در ایستگاه‌های اتوبوس، از شهروندانی که قصد سوارشدن به اتوبوس را داشتند، اقدام به سرقت تلفن همراه می‌کرد. با به‌دست‌آمدن مشخصات ظاهری متهم، ایستگاه‌های اتوبوس را زیرنظر گرفتند تا اینکه سرانجام عصر روزگذشته، متهم را در حالی‌که مشغول سرقت تلفن همراه یک مسافر بود، شناسایی و دستگیر کردند. متهم به ۹ فقره جیب‌بری تلفن همراه شهروندان اعتراف کرد.

دستگیری باند حرفه‌ای سرقت در احمدآباد

جلائیان| پلیس اعضای یک باند حرفه‌ای سرقت قطعات خودرو را در احمدآباد دستگیر کرد. به‌دنبال گزارشات سریالی از سرقت قطعات خودرو در منطقه احمدآباد، با دستور سرهنگ محمد چوپانی، فرمانده کلانتری احمدآباد، مأموران دایره تجسس مسئول پیگیری این پرونده شدند. مأموران در بررسی ۳۳ پرونده مشابه و در بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسته، به اطلاعاتی از اعضای یک باند دست پیدا کردند؛ باند سرقتی که مأموران موفق به شناسایی و ردزنی یکی از اعضای آن که فردی سابقه‌دار بود، شدند. با شناسایی این فرد، مأموران به‌منظور دستگیری سایر اعضای این باند، متهم را به‌صورت نامحسوس زیرنظر گرفتند. تعقیب متهم نتیجه داد و مأموران موفق به شناسایی و ردزنی دو عضو دیگر این باند شدند. با ردزنی محل اختفای متهمان، مأموران کلانتری احمدآباد طی دو عملیات مجزا، متهمان را دستگیر و در بازرسی از مخفیگاه آنان تعداد زیادی وسایل مسروقه به‌همراه مدارک هویتی را کشف کردند. هر سه متهم در بازجویی‌های فنی پلیس، به ۳۳ فقره سرقت قطعات و محتویات داخل خودرو در شهر مشهد اعتراف کردند.
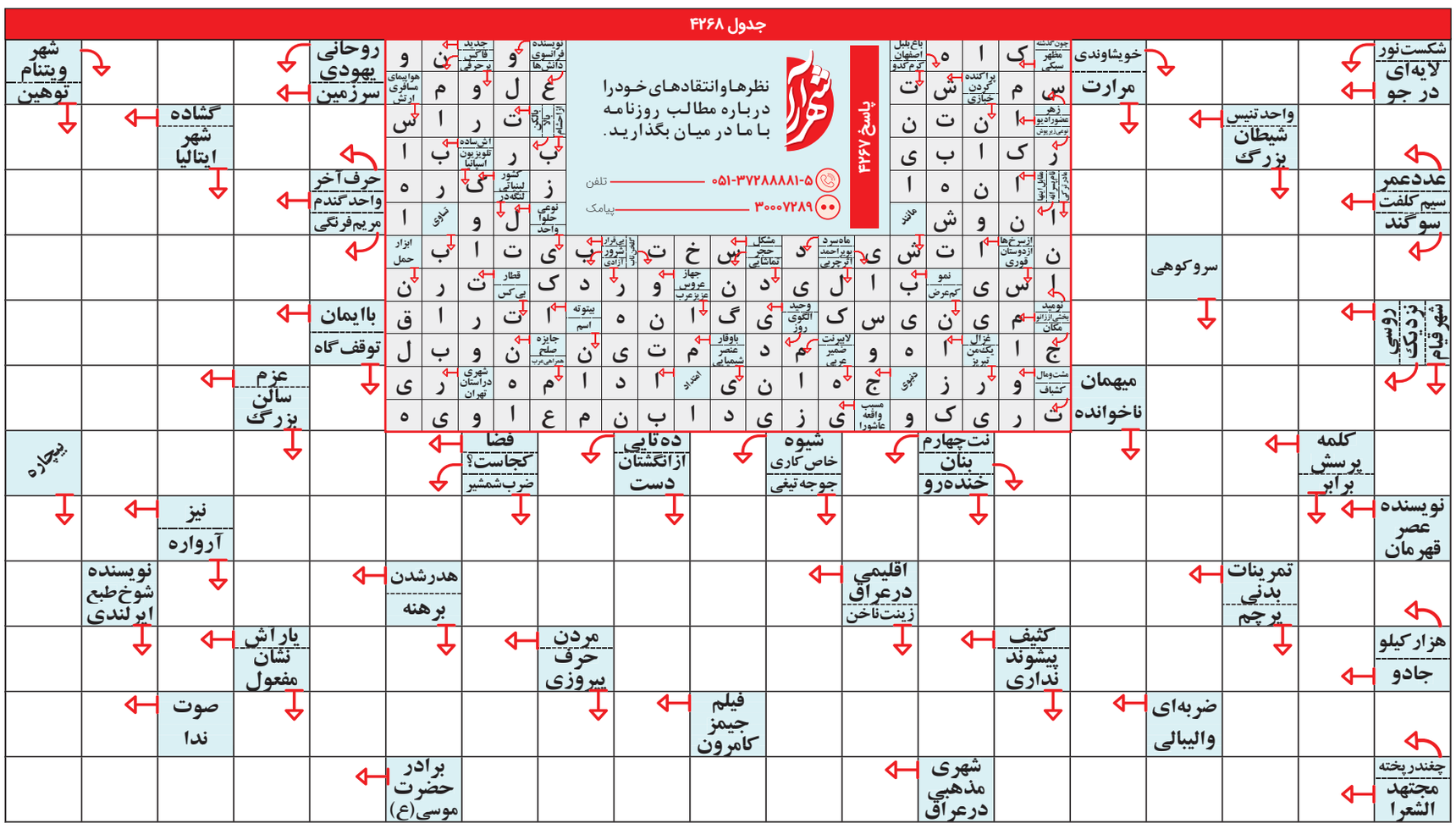
جدول ۴۲۶۸